

اساسی سازی حقوق پیشگیری از جرم در ایران

امیرحسین نیازپور*

(تاریخ دریافت: ۹۲/۳/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۹۳/۹/۲۴)

چکیده

پیشگیری از جرم، از راهبردهای اصلی سیاست جنایی است که برای مهار پدیده مجرمانه همواره مورد توجه است. اهمیت این راهبرد آنچنان است که پیشگیری از جرم در سطح مقررات فراتقنینی یعنی در قانون اساسی پیش بینی و به رسمیت شناخته شده است. همین سیاست، سبب شده تا موجبات اساسی سازی حقوق پیشگیری از جرم فراهم شود. در پهنه حقوق ایران، این راهبرد خبرگان قانون اساسی در قالب اصول متعدد، جایگاه ویژه‌ای به آن اعطا کرده است. در واقع، از رهگذر پیش بینی شماری از اصول قانون اساسی به پیشگیری از جرم، جنبه اساسی/فراتقنینی داده شده است تا اقدام در چارچوب سیاست‌های پیشگیرانه پیش بینی شده، بر عهده همه نهادها قرار گیرد. در این نوشتار، اساسی سازی حقوق ماهوی (الف) و اساسی سازی حقوق شکلی (ب) پیشگیری از جرم در ایران بررسی می‌شود.

واژگان کلیدی: پیشگیری، اساسی سازی حقوق پیشگیری، پیشگیری رشدمدار،

پیشگیری جامعه‌مدار

مقدمه

پیشگیری از بزهکاری از مهم‌ترین سازوکارهای سیاست جنایی است که با توسل به اقدام‌های غیرقهرآمیز در صدد کاهش یا ازبین‌بردن عوامل فردی، محیطی و وضعی جرم‌زا و نیز گرایش به بزهکاری است. (Geason, 1998, p. 12)

سیاست‌گذاران جنایی بر همین اساس از رهگذر تصویب مقررات متعدد در سطح‌های مختلف فراقضایی، تقنینی و فروتقنینی به آن توجه کرده‌اند، چنان‌که در پرتو هنجارمندسازی یافته‌های جرم‌شناسی پیشگیری در عرصه این مقررات، «حقوق پیشگیری از جرم» به‌عنوان یک رشته حقوقی تخصصی پدید آمده است.

حقوق پیشگیری از جرم، یک شاخه هنجارمند است و شامل مجموعه قوانین و مقررات ناظر به تدابیر پیشگیرانه، ساختار و تشکیلات متولی پیشگیری از جرم و چگونگی اعمال اقدام‌های پیشگیرانه می‌شود. یعنی آن دسته از قوانین و مقررات که به ماهیت تدابیر پیشگیرانه، شکل و نهادهای مدیریتی اجراکننده آن‌ها توجه دارند.

حقوق پیشگیری از جرم را می‌توان به دو نوع «حقوق ماهوی پیشگیری از جرم» و «حقوق شکلی پیشگیری از جرم» دسته‌بندی کرد. در حقوق ماهوی پیشگیری از جرم، قوانین مربوط به ماهیت اقدام‌های پیشگیرانه مانند مقررات ناظر به آموزش و پرورش (محیط تحصیلی)، خانواده‌ها، فقرزدایی، اشتغال‌زایی یا به‌عبارت دیگر، مجموعه قواعد و مقررات مربوط به محتوای تدابیر پیشگیرانه مثل اقدام‌های خانواده‌مدار یا مدرسه‌مدار بررسی می‌شوند، درحالی‌که در حقوق شکلی پیشگیری از جرم، مجموعه قوانین و مقررات ناظر به ساختار و تشکیلات و چگونگی اجرای تدابیر پیشگیری از جرم، اعم از نهادهای مدیریت پیشگیری از جرم و تشریفات اجرای تدابیر، برنامه‌ها و سیاست‌های پیشگیرانه مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

شناسایی و تصویب یافته‌های جرم‌شناسی پیشگیری از جرم در قوانین و مقررات سبب می‌شود تا این شاخه، جنبه حقوقی به خود بگیرد و از ضمانت اجرا برخوردار شود. به همین جهت، شماری از سیاست‌گذاران به پیشگیری از بزهکاری، فراتر از سطح مقررات تقنینی و فروتقنینی و در قالب یک هنجار اساسی توجه کرده‌اند و به آن، اعتبار مقررات فراقضایی یا مقررات (اصول) تأسیسی داده‌اند. (نیازپور، ۱۳۹۱، ۱۸۹) این توجه به پیشگیری از جرم به‌گونه‌ای اسباب اساسی‌سازی آن را نیز فراهم آورده است.

اساسی‌سازی یا اساسی‌گرایی حقوق، یک جنبش حقوقی است که از سده هجدهم میلادی به صورت نظام‌یافته و برای صیانت از حق‌ها و آزادی‌های بنیادین شهروندان در برابر قدرت عمومی وارد گستره حقوق شده است تا به هنجارهای عادی ارزش و اعتبار هنجار اساسی داده شود. (نجفی ابرندآبادی، ۹۸۸، ۱۳۹۳) در واقع، اساسی‌سازی حقوق با تأثیرپذیری از جریان‌های فکری - عقیدتی آزادی‌خواهانه، اسباب شناسایی شماری از جلوه‌های بارز حقوق و آزادی‌های شهروندان در پهنه قانون اساسی را فراهم آورده است تا از این رهگذر، همه سیاست‌گذاری‌ها در چارچوب و ادامه این حق‌های اساسی شده صورت پذیرد. (بن، ۲۲۹، ۱۳۸۴) این نحله فکری - حقوقی به تدریج توسعه یافت و موجبات فراگیر شدن پدیده اساسی‌سازی حقوق را فراهم آورد.

اساسی‌سازی حقوق، یعنی مبنادار و اصول‌مند کردن یک رشته حقوقی در قانون اساسی.^۱ به دیگر سخن، اساسی‌سازی حقوق، فرآیندی است که در پرتو آن، برخی هنجارها اعتبار و جایگاه فراتقنینی پیدا کرده و در یک فصل یا شماری از اصول قانون اساسی پیش‌بینی می‌شوند. به این ترتیب، وارد شدن یک مقوله حقوقی یا گونه‌ای از حقوق و آزادی‌های شهروندان در پهنه قانون اساسی، آن پدیده حقوقی را اساسی می‌کند. (تقی‌زاده، ۱۳۰، ۱۳۸۶)

در گستره حقوق ایران، مؤسسان قانون اساسی نیز در قالب اصول متعدد، از یک سو از شماری از تدابیر و اقدام‌های پیشگیرانه سخن به میان آورده‌اند و از سوی دیگر، پیش‌بینی ساختار و تشکیلات و چگونگی به‌اجرا در آمدن پیشگیری از جرم را به قانونگذار تکلیف کرده‌اند. یعنی برای حمایت از شهروندان در برابر بزهکاری و تأمین امنیت آنان، جایگاه راهبرد پیشگیری از جرم را که در کاهش ناامنی نقش بنیادی ایفا می‌نماید ارتقا داده و آن را فراتر از سطح قوانین و مقررات عادی به رسمیت شناخته‌اند.

در پهنه مقررات تقنینی و فروتقنینی نیز ماهیت و شکل پیشگیری از جرم مورد توجه قرار گرفته است؛ چنان‌که به نهادهای متعددی ایجاد ساختار و به‌کارگیری اقدام‌های پیشگیرانه واگذار شده است تا یافته‌های پیشگیرانه وارد متن قوانین و مقررات شده و از این رو جرم‌شناسی پیشگیری دارای جنبه حقوقی شود.

آموزه‌های پیشگیری از جرم در قلمرو سیاست جنایی ایران از دو حیث ماهوی (الف) و شکلی (ب) جنبه اساسی پیدا کرده است. در واقع، خبرگان قانون اساسی از رهگذر اصول

۱. برای آگاهی بیشتر، ن. ک: فاو، لویی. (۱۳۸۹). *دادگاه‌های قانون اساسی*، (الگوی اروپایی دادرسی اساسی)، چاپ اول، تهران: جنگل و همچنین، ن. ک: واعظی، سیدمجیدی. (۱۳۹۰). *دادگستری اساسی*، چاپ اول، تهران: جنگل.

متعدد به ماهیت تدابیر پیشگیرانه و همچنین چگونگی اجرای آن‌ها توجه کرده‌اند تا به این واسطه، حق بر امنیت و حق بر پیشگیری از جرم که از جمله حق‌های بنیادین بشری‌اند، در قالب یک هنجار و نظام اساسی رسمیت یابند.

۱. اساسی‌سازی حقوق ماهوی پیشگیری از جرم

در گستره سیاست جنایی ایران، حقوق ماهوی پیشگیری از جرم در پرتو اصول قانون اساسی از سوی قانونگذار عادی به صورت قوانین متعدد به رسمیت شناخته شده‌اند. یعنی تدابیر و اقدام‌های ماهوی ناظر به هر یک از انواع پیشگیری از جرم از جمله پیشگیری رشدمدار به عرصه مقررات راه یافته است. برای نمونه، می‌توان به قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش مصوب ۱۳۶۲ یا آیین‌نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد ۱۳۷۷ اشاره کرد.^۱ بدیهی است این ابتکارات، ناظر به ماهیت اقدام‌های پیشگیرانه بوده و بر همین اساس در پهنه حقوق ماهوی پیشگیری از جرم بررسی می‌شود. حقوق ماهوی پیشگیری از جرم با توجه به تقسیم‌بندی ناظر به پیشگیری فردمدار به دو دسته «حقوق ماهوی پیشگیری جامعه‌مدار» و «حقوق ماهوی پیشگیری رشدمدار» طبقه‌بندی می‌شود.

۱-۱. اساسی‌سازی حقوق ماهوی پیشگیری جامعه‌مدار از جرم

پیشگیری جامعه‌مدار یا پیشگیری محیطی، کهن‌ترین گونه پیشگیری فردمدار است که با تکیه بر ظرفیت محیط‌ها، به ویژه محیط‌های پیرامون افراد به دنبال پیشگیری از جرم است. این نوع پیشگیری با به کارگیری اقدام‌های غیرقهرآمیز اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی در محیط‌های مختلف در صدد از بین بردن عوامل محیطی جرم‌زا یا دست‌کم کاهش تأثیر آن‌ها بر افراد است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳، ۵۷۰) به این ترتیب، پیشگیری جامعه‌مدار با توجه به این انگاره که گونه‌های مختلف محیط بر نظام رفتاری افراد تأثیرگذار هستند بر استفاده از اقدام‌های غیرقهرآمیز محیط‌مدار به منظور زدودن یا کاهش تأثیر عوامل جرم‌زا تمرکز می‌کند. از این رو، اقدام‌های ناظر بر آموزش و پرورش، اشتغال‌زایی، فقرزدایی، تهیه مسکن برای شهروندان، ایجاد

۱. برای آگاهی بیشتر، ن. ک: اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۷۹). پیشگیری از اعتیاد، در: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد ۱، چاپ اول، انتشارات روزنامه رسمی.

رفاه اجتماعی و اقتصادی که نقش مؤثری در فرآیند شکل‌گیری شخصیت افراد ایفا می‌نمایند، در چارچوب این نوع پیشگیری جای می‌گیرند. (ابراهیمی، ۶۱، ۱۳۹۰)

در اسناد جهانی و منطقه‌ای الزام‌آور و ارشادگر نیز این دسته از اقدام‌ها به‌عنوان حقوق بنیادی افراد شمرده شده است که طبیعتاً دارای کارکردی پیشگیرانه نیز هست. برای نمونه می‌توان به اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ اشاره کرد که شماری از مواد خصوصاً مواد ۱۶، ۲۳، ۲۴، ۲۵ و ۲۶ این حق‌ها را که دارای ابعاد پیشگیرانه است شناسایی کرده‌اند.

توجه به جلوه‌های پیشگیری جامعه‌مدار به عرصه سیاست جنایی بین‌المللی محدود نمی‌شود، بلکه در سطح ملی نیز قانونگذاران این ابتکارها را به رسمیت شناخته‌اند تا از این رهگذر، اقدام‌های این گونه پیشگیری از جرم، جنبه تقنینی یابند. در همین راستا، تعدادی از مصادیق پیشگیری جامعه‌مدار در سطح مقررات فراتقنینی، یعنی در اصول قانون اساسی نیز شناسایی شده است که زمینه اساسی‌سازی این شاخه حقوق پیشگیری از جرم را فراهم آورده است. به این سان، خبرگان قانون اساسی با به رسمیت شناختن جلوه‌های این نوع پیشگیری در پهنه قانون اساسی به تدابیر پیشگیری جامعه‌مدار، اعتبار بنیادی داده‌اند تا ضابطه‌مند کردن این تدابیر به قانونگذار واگذار شود. به این ترتیب، شماری از سازوکارهای این نوع پیشگیری از جمله بسترسازی برای آموزش و پرورش و توسعه آن یا فراهم ساختن زمینه‌های مناسب جهت کارزایی یا فقرزدایی، ارتقای سطح رفاه اجتماعی به‌عنوان هنجار اساسی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

اصول متعددی از این قانون، به‌ویژه اصول مربوط به فصل سوم با عنوان «حقوق ملت» به این مصادیق اختصاص یافته است. این اقدام نویسندگان قانون اساسی سبب شده است تا پیشگیری جامعه‌مدار از جرم در سطح مقررات فراتقنینی دارای پایه‌های اساسی شود، چنان‌که بتوان در پرتو آن از «اساسی‌سازی حقوق پیشگیری جامعه‌مدار» در ایران سخن راند. به این سان، شماری از بارزترین سازوکارهای این گونه پیشگیری در پرتو قانون مذکور، جنبه اساسی یافته است. در این چارچوب می‌توان به اصول بیست و هشتم، سی‌ام و سی‌ویکم به‌عنوان نمونه اشاره داشت.

محیط خانواده که نقش بنیادی در پروراندن شخصیت افراد و متمایل ساختن آنان به پیروی از ارزش‌های اساسی اجتماعی ایفا می‌کند، از برجسته‌ترین سازوکارهای پیشگیرانه است (نوربها، ۱۸۰، ۱۳۸۶) در مقدمه قانون اساسی و زیر عنوان «زن در قانون اساسی»، خانواده «... واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان ...» معرفی شده است «... همچنین،

به موجب اصل دهم بر این نکته تأکید شده است که: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده و پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق اسلامی باشد». این سیاست، نشان‌دهنده توجه خبرگان به نقش محوری محیط خانواده در چگونگی مدنی و جامعه‌پذیر شدن افراد است و بر این اساس، قانونگذار عادی و دیگر سیاست‌گذاران نیز باید در چارچوب این سیاست به اتخاذ تدابیر مناسب در زمینه مطلوب‌سازی محیط خانواده برای پرورش شخصیت افراد مبادرت ورزند.

در پرتو قانون مذکور، ظرفیت نهاد خانواده در مدنی و جامعه‌پذیرسازی افراد یعنی پیروی از بایدها و نبایدهای اجتماعی کیفری که در حوزه پیشگیری جامعه‌مدار، نقش بنیادی ایفا می‌نماید، جنبه اساسی پیدا کرده است. طبیعتاً، بارزترین پیامد این فرآیند، تبعیت سیاست‌گذاران از این رویکرد نویسندگان قانون اساسی است چه اینکه خانواده به‌عنوان نخستین محیط که افراد به واسطه تولد در آن حضور می‌یابند، پایه‌گذار سامانه رفتاری آنان بوده و همین قابلیت سبب شده است تا به این سازوکار پیشگیرانه اعتبار اساسی داده شود. در واقع، در این محیط است که افراد با ارزش‌ها و هنجارها آشنا شده و به سمت پذیرش الگوی رفتاری و شناخت نقش‌ها و مناسبت‌های اجتماعی پیش می‌روند.

در کنار این محیط، مدرسه نیز در پرورش درست شخصیت و اجتماعی شدن افراد بسیار تأثیرگذار است زیرا افراد در این عرصه، علاوه بر سوادآموزی، با هنجارهای بنیادی جامعه آشنا می‌شوند و چگونگی برخورد با مناسبت‌های اجتماعی را فرا می‌گیرند. (Siegel, 2009, p. 200) در واقع، محیط تحصیلی با داشتن توانایی آموزش آموزه‌های علمی و برخورداری از مهارت و امکان کارایی در آینده، زمینه‌های تربیت و پرورش شخصیت آنان و قانون‌گرایی را فراهم می‌آورد. این ظرفیت، محیط مذکور را به یکی از مؤثرترین سازوکارهای پیشگیری جامعه‌مدار از جرم تبدیل کرده است.

خبرگان قانون اساسی در بند ۳ اصل سوم «آموزش و پرورش ... رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی» را در شمار وظایف بنیادین دولت گنجانده‌اند. در همین راستا، در اصل سی‌ام این قانون مقرر شده است که: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد».

به این سان، مؤسسان قانون اساسی با در نظر داشتن این نکته که آموزش و پرورش، زمینه‌ای مناسب برای آموختن آموزه‌های علمی و فراگیری هنجارهای بنیادی اجتماعی فراهم می‌سازد، آن را در شمار حقوق بنیادی ملت قرار داده‌اند. این ابتکار، به حق بر آموزش و پرورش که علاوه بر داشتن جنبه حقوق بشری، کارکردی پیشگیرانه نیز دارد، اعتبار اساسی داده است تا به این واسطه همه سیاست‌های عادی و برنامه‌ها در بستر آموزش و پرورش برای درست تربیت شدن افراد و هنجارمندسازی آنان فراهم شود.

پیشگیری جامعه‌مدار در کنار دو محیط خانواده و مدرسه به ظرفیت‌های اوقات فراغت نیز برای کاهش گرایش افراد به سمت بزهکاری توجه نشان می‌دهد. ایجاد امکانات مناسب برای اوقات فراغت شهروندان بخصوص کودکان، نوجوانان و جوانان می‌تواند سهم بسزایی در پروراندن درست شخصیت آنان ایفا کند. به همین جهت، مطابق بند ۳ اصل سوم «... تربیت بدنی رایگان...» برای همه شهروندان به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین تکالیف دولت‌ها پیش‌بینی شده است تا اوقات فراغت افراد در راستای رشد نظام‌مند رفتار آنان ساماندهی شود.

در عرصه پیشگیری جامعه‌مدار، بهبود وضعیت مالی - اقتصادی نیز در کاهش تمایل شهروندان به ارتکاب جرم تأثیرگذار است. شماری از افراد، تحت تأثیر ناتوانی مالی - اقتصادی ناشی از بیکاری، فقر، نداشتن مسکن به بزهکاری و انحرافات اجتماعی رو می‌آورند. (Ibid, p.201) نویسندگان قانون اساسی با توجه به نقش بنیادی اقدام‌های اقتصادی و اجتماعی در کاهش میزان بزهکاری، شماری از اصول این قانون را به این دسته اقدام‌ها اختصاص داده‌اند. طبیعتاً این ابتکار، اسباب اساسی‌سازی تدابیر مالی - اقتصادی پیشگیرنده را فراهم آورده است.

بند ۱۲ اصل سوم در واقع به دنبال «پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» بوده و آن را به‌عنوان وظیفه راهبردی دولت پیش‌بینی کرده است. بدیهی است این تکلیف دولت در زمینه فقرزدایی و بنیان‌گذاری رفاه اقتصادی می‌تواند در کاهش تأثیر ناتوانی مالی - اقتصادی بر بزهکاری افراد، نقش آفرین باشد. در همین چارچوب، در اصل چهل و سوم «... ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، ... بر اساس ... ضوابط ... (۱) تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش ... و (۲) تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به

منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند... مبنای نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به شمار آمده است. این پنداشت، بیانگر این نکته است که دولت باید برای ایجاد سامانه اقتصادی مطلوب که به شکوفایی اقتصادی بینجامد، بر مؤلفه‌هایی مانند فقرزدایی، اشتغال‌زایی و مهیاساختن کمینه‌های اقتصادی زندگی تمرکز کند. همین اقدام، در توانمندسازی مالی - اقتصادی شمار زیادی از شهروندان، نقش آفرین است و می‌تواند به کاهش تمایل آنان به بزهکاری منتهی شود. به هر رو، در قلمرو پیشگیری جامعه‌مدار، ایجاد امکانات مناسب برای رفاه اقتصادی و اجتماعی به منظور دسترسی شهروندان به کمینه‌های زندگی و در نتیجه از بین بردن و کاهش تأثیر عوامل مالی و اقتصادی جرم‌زا از شاخص‌ترین ابتکارها به شمار می‌رود که در شماری از نظریه‌های جرم‌شناسانه خصوصاً نظریه‌های فشار و مارکیستی تبلور یافته است.

بر اساس نظریه یکم که از سوی مرتون در دهه ۱۹۴۰ مطرح شد، نبود ابزارها مانند کار، تحصیلات یا در دسترس نبودن آن‌ها برای رسیدن به هدف‌های مشروع اجتماعی، زمینه‌گرایش شماری از شهروندان به توسل به وسایل و راه‌های نامشروع از جمله بزهکاری را فراهم می‌سازد. در واقع، بودن یا نبودن برابری در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و امکان‌ناپذیر بودن استفاده از ابزارهای مشروع به منظور دست‌یافتن به هدف مورد توجه در یک جامعه واکنش‌های متعددی را در پی دارد که ارتکاب بزهکاری از شاخص‌ترین آن‌هاست. (ویلیامز، ۱۱۱، ۱۳۸۳) بنابراین، هرگاه ابزارهای مساوی مثل فرصت‌های برابر کار یا ارتقای وضعیت مالی - اقتصادی برای شهروندان جهت دست‌یافتن به هدف‌ها باشد، تأثیر مشکلات مالی - اقتصادی بر گرایش افراد به ارتکاب بزهکاری کاهش می‌یابد.

علاوه بر این، می‌توان به نظریه جرم‌شناسانه مارکیستی اشاره کرد که با رویکردی بیشینه، به عوامل مالی - اقتصادی بر بزهکاری توجه داشت. در پرتو این نظریه، ناتوانی مالی و اقتصادی دسته‌ای از شهروندان و گردهم آمدن بیشتر ثروت نزد شماری از آنان (همان طبقه قدرت‌دار) و کنار گذاشتن قشر کارگر از عرصه تولید، زمینه‌ای مناسب جهت روآوری شهروندان به جرم پدید می‌آورد. به این سان، با برطرف ساختن نیازهای مالی و اقتصادی شهروندان و توانمندسازی آنان می‌توان از بزهکاری پیشگیری کرد. در این چارچوب، پیشگیری جامعه‌مدار با از بین بردن یا کاهش ناتوانی‌های مالی و اقتصادی، از مهم‌ترین سازوکارها برای گرایش نیافتن افراد به بزهکاری است که از سوی خبرگان به عنوان هنجار اساسی مورد توجه قرار گرفته است.

البته توجه خبرگان قانون اساسی به سازوکارهای مالی - اقتصادی پیشگیری از جرم به این اصول محدود نمی‌شود، بلکه در دو اصل دیگر به‌طور خاص به دو مؤلفه بسیار مهم در این زمینه اشاره شده است. بر اساس اصل بیست‌وهشتم: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید». همچنین، مطابق اصل سی‌ویکم: «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آن‌ها که نیازمندترند بخصوص روستانشینان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند». با شناسایی دو حق بر شغل و مسکن متناسب به‌عنوان جلوه‌های بنیادی حقوق افراد، موجبات اساسی‌سازی کارکرد پیشگیرانه آن‌ها پدید آمده است.

۱-۲. اساسی‌سازی حقوق ماهوی پیشگیری رشدمدار از جرم

پیشگیری فردمدار دارای یک گونه بسیار مهم دیگر یعنی پیشگیری رشدمدار یا زود هنگام است که برای کاهش احتمال مزمن شدن بزهکاری در افراد از اقدام‌های روان‌شناسانه - اجتماعی زودرس جهت مداخله در فرآیند تربیت و رشد کودکان بهره می‌جوید. پیشگیری رشدمدار، شامل مجموعه تدابیر روان‌شناسانه - اجتماعی است که به‌منظور تقویت فرآیند جامعه‌پذیری کودکان و کاهش احتمال پایداری بزهکاری در «کودکان معضل‌دار» به کار گرفته می‌شود. این گونه پیشگیری در صدد پروراندن درست شخصیت کودکان مشکل‌دار است و در این راستا بر اقدام‌های روان‌شناسانه و اجتماعی حمایتی خانواده‌مدار، مدرسه‌مدار و اجتماع‌مدار تمرکز می‌کند. (هوارد، ۱۳۸۳، ۱۳۶) پیشگیری رشدمدار بر این انگاره استوار است که درست سپری نشدن فرآیند رشد کودکان، احتمال گرویدن این دسته به بزهکاری و چه بسا ماندگاری در این ورطه را افزایش می‌دهد. از این رو، با به‌کارگیری تدابیر حمایتی مناسب می‌توان چالش‌های فراروی کودکان در مرحله‌های مختلف رشد را مرتفع ساخت و در نتیجه آنان را به سمت هنجارپذیری و پیروی از بایدها و نبایدهای کیفی هدایت کرد. (عظیم‌زاده، ۵۳، ۱۳۹۰)

پیشگیری رشدمدار با تمرکز بر فرآیند رشد کودکان معضل‌دار در صدد برطرف‌ساختن مشکلات این دسته است. بنابراین، کودکان دارای پدر - مادر بزهکار، بدون سرپرست یا بدسرپرست، دارای خانواده نابسامان و از هم گسیخته، برخوردار از وضعیت مالی - اقتصادی نامناسب

یا آن دسته از کودکان که مادرانشان دوره بارداری را با آرامش طی نکرده‌اند، از جمله کودکان مشکل دارند. (دادستان، ۱۳۸۲، ۲۸۸) اهمیت اقدام‌های پیشگیری رشدمدار در فرآیند پروراندن شدن درست شخصیت کودکان معضل دار، سبب شده است تا به این گونه پیشگیری از جرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ توجه شود. به موجب بند ۲ اصل بیست و یکم: «حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست» در شمار وظایف بنیادی دولت گنجانده شده است. به هر رو، مشکلات مالی - اقتصادی مادران سرپرست خانوار و نبود پدر در کنار خانواده، از جمله نشانه‌های خطراند که بر طرف نشدن آن‌ها احتمال مزمن شدن بزهکاری را افزایش می‌دهد. همچنین است، بی سرپرست بودن کودکان. به همین جهت، دولت باید از رهگذر اتخاذ تدابیر مناسب و برنامه‌ریزی سنجیده به حمایت مالی - اقتصادی از این خانواده‌ها یا ایجاد بستر مناسب برای دسترسی آنان به حمایت‌های اجتماعی مناسب مثل مشورت دادن مددکاران اجتماعی مبادرت ورزد.

در همین راستا، قانونگذار عادی از رهگذر مقررات تقنینی تلاش کرده است تا در جهت رویکرد و سیاست خبرگان قانون اساسی گام بردارد. به هر رو، در پرتو اساسی سازی، همه نهادها به ویژه مقنن باید در چارچوب سیاست‌ها یا دستورهای اساسی به تدوین قوانین و اتخاذ تدابیر مبادرت ورزند. برای نمونه، می‌توان به قانون ساختار نظام جامع و رفاه و تأمین اجتماعی ۱۳۸۳ اشاره کرد که از رهگذر بند (ط) ماده ۱ و در چارچوب اصول پیش گفته حمایت از کودکان مشکل دار به منظور توسعه عدالت اجتماعی و ترمیم خلأهای فرآیند رشد و تربیت این دسته و کاهش احتمال گرایش آنان به پایداری در ورطه بزهکاری را شناسایی کرده‌اند.

این حق‌ها کارکردی پیشگیرانه نیز دارند زیرا اقدام‌های حمایتی ناظر به کودکان بدون سرپرست یا حمایت از مادران در دوران بارداری و رشد کودکان، از جمله ابتکارات پیشگیری رشدمدار به شمار می‌آیند و طبیعتاً می‌توانند در ساماندهی فرآیند رشد این دسته و در نتیجه، کاهش احتمال به‌عادت شدن بزهکاری نزد آنان نقش آفرین باشند. (کاری‌بو، ۲۷۲، ۱۳۸۱)

حقوق پیشگیری از جرم، دارای یک شاخه و جنبه شکلی نیز هست. در این عرصه آیین‌های ناظر به چگونگی اجرای تدابیر و اقدام‌های ماهوی پیشگیرانه مورد بررسی قرار می‌گیرند. در پهنه سیاست جنایی ایران، این گونه حقوق پیشگیری از جرم نیز در قانون اساسی دارای جایگاه شده است تا به این واسطه سیاست‌گذاری‌های سطح پایین‌تر از این قانون در راستای اصول و دستورهای اساسی تدوین و اجرا شود.

۲. اساسی‌سازی حقوق شکلی پیشگیری از جرم

برای پیشگیری از جرم فقط پیش‌بینی تدابیر ماهوی پیشگیرانه کافی نیست، بلکه باید ساختار و آیین مناسب برای عملیاتی کردن آن نیز طرح‌ریزی شود. (Virginia crime prevention Association, 1997, p. 5) چه اینکه نبود تشکیلات منسجم و آیین و ترتیبات منظم، اجرای تدابیر ماهوی پیشگیرانه را با چالش و چه‌بسا با شکست مواجه می‌سازد.

موفقیت سیاست‌ها و برنامه‌های پیشگیرانه در گرو اتخاذ تدابیر، تشکیلات و تشریفات مناسب است زیرا کاستی و نارسایی در فرآیند اجرای تدابیر پیشگیرانه، اسباب دست‌یافتن به هدف‌ها را چالش‌پذیر می‌سازد و چه‌بسا به نقض شماری از حق‌های بنیادی شهروندان مثل تعرض به حریم خصوصی افراد بینجامد. از این‌رو، ترسیم ساختار و فرآیند مناسب برای به‌اجرا درآوردن سیاست‌ها و برنامه‌های پیشگیرانه از بایسته‌های موفقیت در پهنه سیاست جنایی است. بر همین اساس، مؤسسان قانون اساسی در زمینه چگونگی اجرای این تدابیر و در واقع درباره شکل و مدیریت پیشگیری از جرم، سیاست‌گذاری کرده‌اند.

۲-۱. اساسی‌سازی مدیریت پیشگیری از جرم

در زمینه چگونگی واگذاری پیشگیری از جرم به دستگاه قضایی یا سایر نهادهای رسمی میان نویسندگان قانون اساسی، اختلاف نظرهایی وجود داشت؛ دسته‌ای به کارگیری اقدام‌های قهرآمیز قوه قضاییه را پیشگیرانه و شماری دیگر اقدام‌های نهادهایی مانند آموزش و پرورش را پیشگیرانه تصور می‌کردند. در واقع، هریک از این دو گروه در سپردن یا نسپردن تکلیف پیشگیری از جرم، توجهات متعددی داشتند. (صورت مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۶۴، ۱۵۸۳) سرانجام این بحث‌های نظری با تصویب بند ۵ اصل یک‌صد و پنجاه و ششم به پایان رسید. مطابق این بند، «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم...» در شمار تکالیف دستگاه قضایی گنجانده شد. اما وجود همان دیدگاه‌های ناهمسو، اسباب ایجاد نگرش‌های مختلف میان حقوق‌دانان و جرم‌شناسان در زمینه این بند را فراهم آورد.

یک نگرش با «رویکرد کیفری» نسبت به گفتمان بند مذکور، به این نکته اشاره می‌کند که منظور خبرگان قانون مزبور از «اقدامات مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم...» پیشگیری واکنشی / کیفری است. بنابراین، دستگاه قضایی باید با استفاده از ظرفیت‌های نظام عدالت

کیفری در جهت کاهش میزان جرم اقدام نماید. (کوشا، ۲۲، ۱۳۸۹) پیشگیری از جرم در معنای جرم‌شناسانه، ماهیت کنشی دارد و به اقدام‌هایی مانند فقرزدایی، اشتغال‌زایی و توسعه آموزش و پرورش نیازمند است که اساساً انجام آن‌ها در دستگاه قضایی ممکن نیست. پس، هدف مؤسسان قانون اساسی از واگذاری پیشگیری از جرم به قوه قضاییه، صرفاً اتخاذ تدابیر کیفری در چارچوب عدالت کیفری است. به‌ویژه اینکه در اصل نخستین این قانون، توسعه آموزش و پرورش یا کارزایی که دارای کارکردی پیشگیرانه نیز هست به قوه مجریه محول شده است. به این ترتیب، پیشگیری کنشی از جرم در گستره تکالیف دستگاه اجرایی قرار داشته و این نهاد است که باید با ایجاد یک ساختار منسجم در این خصوص اقدام نماید. (صفاری، ۲۷۱، ۱۳۹۰)

اما در برابر، شماری از استادان در دهه ۱۳۷۰ با «رویکردی جرم‌شناسانه» نسبت به این قسمت بند مذکور نگریده‌اند؛ اینکه نویسندگان این قانون با آگاهی از مفاهیم جرم‌شناسانه، مدیریت پیشگیری از جرم را به دستگاه قضایی محول ساخته‌اند. (نجفی ابرنبدادی، ۱۳۷۹، ۷۳۷) بنابراین، منظور خبرگان از قسمت مذکور، پیشگیری کنشی از جرم است که بر این اساس، قوه قضاییه باید با همکاری سایر نهادها در زمینه پیشگیری از جرم، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کند. البته با در نظر داشتن این واقعیت که هدف از واگذاری این مأموریت به دستگاه قضایی، عمدتاً ایجاد ساختار مناسب مدیریتی پیشگیرانه است، چه اینکه برای پیشگیری از جرم، وجود امکاناتی ضروری است که طبیعتاً بیشتر آن‌ها در پهنه دستگاه اجرایی قرار دارند.

به این ترتیب، هدف نویسندگان قانون مذکور از واگذاری تکلیف پیشگیری از جرم به قوه قضاییه، این بوده است که این نهاد به «مدیریت پیشگیری از جرم» مبادرت ورزد. یعنی با همراهی و مشارکت سایر نهادهای رسمی و نیز نهادهای جامعه‌ی تشکیلات مناسب و منسجم متولی پیشگیری از بزهکاری ایجاد کند. به این سان، بند مذکور، ناظر به مدیریت پیشگیری از جرم است و بر این اساس، دستگاه قضایی باید ساختار مدیریتی هماهنگ‌کننده مناسب برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در عرصه پیشگیری از جرم طراحی نماید و در قالب قانون عادی به تصویب مجلس شورای اسلامی برساند. (نجفی ابرنبدادی، ۷۳۸، ۱۳۷۹)

بنابراین، اهمیت ماهیت تدابیر پیشگیری از جرم و شیوه اجرای آن، سبب شده است تا خبرگان علاوه بر توجه به تدابیر ماهوی به تدابیر شکلی پیشگیرانه نیز ارزش اساسی اعطا کنند. طبیعتاً بارزترین اثر این ابتکار، تدوین مقررات تقنینی و فروتقنینی مناسب و اتخاذ سیاست‌های سنجدیه در زمینه تشکیلات پیشگیری از جرم است.

به هررو، قوه قضاییه در راستای برداشت مدیریت‌مدار از بند ۵ اصل یادشده در نخستین سال‌های دهه ۱۳۸۰ به واسطه شماری از پژوهشگران حوزه جرم‌شناسی در قالب کمیسیون پیشگیری از وقوع جرم شورای عالی توسعه قضایی (البته بعدها مأموریت این شورا در عرصه تحقیقات به مرکز مطالعات توسعه قضایی واگذار شد) به تدوین لایحه پیشگیری از وقوع جرم مبادرت ورزید. در این لایحه برای اجرای بند ۵ اصل یادشده ایجاد ساختار فراگیر یعنی شورای عالی، استانی و شهرستانی پیشگیری از جرم و همچنین راه‌اندازی سازمان پیشگیری از جرم با حضور همه نهادهای مسئول در کرانه پیشگیری از جرم و مدیریت دستگاه قضایی مورد توجه قرار گرفت.

این لایحه که می‌تواند گره‌گشای پیشگیری از جرم در ایران و زمینه‌ساز اجرای بند مذکور باشد، با فرازونشیب‌های فراوان در سال ۱۳۸۷ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید اما به جهت ایرادهای شورای نگهبان و پافشاری مجلس بر مواضع خود برای تعیین سرنوشت به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد و اینک در انتظار بررسی در این نهاد به سر می‌برد.

۲-۲. اساسی‌سازی آیین پیشگیری از جرم

نویسندگان قانون اساسی در اصول متعدد به ویژه اصول پیش‌بینی شده در فصل سوم با عنوان «حقوق ملت» و نیز بند ۵ اصل یک‌صد و پنجاه و ششم به شماری از آیین‌های پیشگیری از جرم، اعتبار اساسی داده و آن را به هنجار برین تبدیل کرده‌اند.

الف. فرابخشی بودن پیشگیری از جرم

پیشگیری از بزهکاری به مشارکت همه‌جانبه کلیه نهادها نیازمند است (UN, 2010, p. 22) در نتیجه، قوه قضاییه که بر اساس بند ۵ اصل یک‌صد و پنجاه و ششم، مأموریت یافته به پیشگیری از جرم مبادرت ورزد نمی‌تواند به تنهایی و بدون همراهی و همسویی سایر نهادها در این راستا گام بردارد زیرا ظرفیت‌های این نهاد در زمینه پیشگیری از بزهکاری محدود بوده و از رهگذر آنها نمی‌توان بر همه عوامل جرم‌زا تأثیر گذاشت. به هررو، ارتکاب بزهکاری به عوامل متعددی وابسته است که سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ناظر به آنها از حیث قانونی و همچنین نداشتن امکانات از دستگاه قضایی بر نمی‌آید، مانند آموزش و پرورش که اساساً نهاد مذکور، صلاحیت و توان مناسب

برای دخالت در این زمینه را ندارد. پس، این دستگاه که مطابق بند ۵ اصل مذکور، مأموریت یافته در زمینه پیشگیری از بزهکاری اقدام نماید، صرفاً هماهنگ کننده و دارای اختیار مدیریتی پیشگیری از جرم است؛ اینکه با همراهی دیگر نهادها و بدون در نظر گرفتن ملاحظات بخشی به اتخاذ تدابیر مناسب در عرصه پیشگیری از بزهکاری توجه شود. در واقع، پیشگیری از جرم به همکاری همه نهادهای رسمی و جامعه‌ی نیازمند است. (لازرژ، ۱۵۰، ۱۳۹۲)

این واقعیت توسط خبرگان قانون اساسی نیز مورد توجه قرار گرفته است. اصل بیست و یکم، بیست و نهم، سی‌ام و سی و یکم از برجسته‌ترین تکالیف دولت در زمینه حمایت از کودکان و زنان بی‌سرپرست، بیکاران و به‌طور کلی ناتوانان مالی-اقتصادی، توسعه آموزش و پرورش و ایجاد امکانات مناسب برای مسکن دارشدن شهروندان به شمار می‌روند. نویسندگان قانون اساسی با شناسایی «اصل فرابخشی بودن پیشگیری از جرم» در واقع به دنبال مشارکت جدی کلیه نهادهای مؤثر در این حوزه بوده‌اند. به این ترتیب، در سیاست‌گذاری و اجرای تدابیر پیشگیرانه، این اصل باید مورد توجه کارگزاران پیشگیری از جرم واقع شود و با رویکردی میان‌نهادی و مشارکتی نهادهای رسمی یا جامعه مدنی نسبت به این مقوله گام بردارند. (جمشیدی، ۳۶۷، ۱۳۹۰)

ب. فردمداربودن پیشگیری از جرم

پیشگیری از جرم با توجه به توسعه یافته‌های بزه‌شناسانه و جرم‌شناسانه، صرفاً به اقدام‌های مربوط به پیشگیری فردمدار که در صدد شخصیت‌سازی‌اند، محدود نمی‌شود، بلکه اقدام‌های وضعیت‌مدار هم برای کاهش فرصت‌های مساعد ارتکاب جرم مورد استفاده قرار می‌گیرد. بدیهی است در چارچوب پیشگیری فردمدار است که بایسته‌ها و مقدمات چگونگی رشد شخصیت افراد، جامعه‌پذیری، مردم‌آمیزی و فراگیری ارزش‌های بنیادی جامعه فراهم می‌شود؛ چه اینکه پیشگیری موقعیت‌مدار با ثابت‌انگاشتن سامانه شخصیتی کلیه شهروندان، صرفاً به دنبال مانع‌سازی، کاهش جذابیت آماج جرم، پرهزینه کردن فرآیند ارتکاب جرم و در نهایت، نامساعد جلوه‌دادن فرصت‌هاست. (جندلی، ۸۱، ۱۳۹۳) به این ترتیب، اگرچه احتمال دارد از ارتکاب جرم کاسته شود، اما زمینه‌های شکل‌گیری اندیشه مجرمانه در افراد پابرجا می‌ماند. به همین جهت، در عرصه پیشگیری از جرم، استفاده از ابتکارات این نوع پیشگیری جنبه استثنایی دارد و همواره «اصل بر پیشگیری فردمدار» گذارده می‌شود.

خبرگان نیز همین اصل را به صورت ضمنی پذیرفته و بر مقدم بودن تدابیر پیشگیری فردمدار بر پیشگیری موقعیت‌مدار تأکید ورزیداند زیرا در بخش‌های مختلف این قانون، پیوسته از سازوکارهای پیشگیری فردمدار مانند آموزش و پرورش (اصل سی‌ام)، اشتغال‌زایی (اصل چهل و سوم) یاد کرده‌اند. این شکل سیاست‌گذاری نشان می‌دهد که نویسندگان قانون اساسی در عرصه سیاست جنایی و برای مهار پدیده مجرمانه، اصل را بر پیشگیری فردمدار نهاده‌اند. یا در اصل بیست و پنجم این قانون که به استفاده محدود شماری از روش‌های پیشگیری موقعیت‌مدار اشاره نموده است، گویای این نکته است که خبرگان قانون مذکور به برتری پیشگیری فردمدار بر پیشگیری موقعیت‌مدار نظر داشته‌اند زیرا درست‌تریت شدن و دسترس پذیر بودن بایسته‌های جامعه‌پذیری برای افراد از جمله حق‌های بشری است که دولت‌ها باید آن را به اجرا درآورند.

ج. کرامت‌مدار بودن پیشگیری از جرم

پیشگیری از جرم در کنار سرکوبی بزهکاری، یکی از مهم‌ترین سازوکارهای تأمین امنیت به شمار می‌رود. راهبرد پیشگیری، زمینه کاهش میزان بزهکاری را که از مظاهر ناامنی است فراهم می‌سازد. به هر رو، در سایه امنیت روزانه است که شهروندان می‌توانند از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی برخوردار شوند. در این چارچوب است که دولت‌های قانون‌مدار از نظام‌های پیشگیری و کیفری برای ایجاد امنیت استفاده می‌کنند. (نجفی ابرنبدادی، ۱۳۹۱، ۱۱)

به این سان، پیشگیری از جرم از منظر حقوق بشر به این جهت که اسباب دسترسی شهروندان به یکی از جلوه‌های حقوق بشر یعنی «حق بر امنیت» را پدید می‌آورد، دارای اهمیت است. علاوه بر این، شماری از سازوکارهای پیشگیری از جرم در قالب یکی از مصادیق حقوق بشر می‌گنجد که اهمیت این راهبرد از این حیث را بیشتر کرده است زیرا به واسطه آن‌ها امکان دستیابی به حق‌های بشری نیز فراهم می‌شود. با وجود اینکه پیشگیری از جرم، نقش مؤثری در دسترسی شهروندان به جلوه‌های اساسی حقوق بشری ایفا می‌نماید، گاه چگونگی اجرای روش‌های آن و حتی چرایی گزینش آن‌ها با آموزه‌های حقوق بشری برخورد می‌کند.

از همین روست که رعایت کرامت انسان‌ها هنگام اجرای شیوه‌های آن اهمیت‌دار می‌شود و در تعدادی از اسناد بین‌المللی مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ در مواد ۵ و ۵، منزلت انسانی به عنوان ارزش بنیادی شناسایی شده است. بنابراین در هنگام اجرای روش‌های

پیشگیری از جرم، باید کرامت انسان‌ها در نظر گرفته شود. بر این اساس، پیشگیری از جرم را نباید به هر شکل و بدون در نظر گرفتن معیارهای حقوق بشری به اجرا در آورد.

نویسندگان قانون اساسی با شناسایی موازین حقوق بشری مربوط به این راهبرد، «اصل کرامت مدار بودن پیشگیری از جرم» را به رسمیت شناخته‌اند. به موجب بند ۶ اصل دوم نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه ایمان به «کرامت و ارزش والای انسانی و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا» استوار است. بر این اساس در همه عرصه‌ها از جمله در سراسر فرآیند پیشگیری از جرم (از لحظه سیاست‌گذاری تا اجرای روش‌ها) باید ملاحظات حقوق بشری و کرامت انسان‌ها را در نظر داشت. خبرگان قانون مذکور، این اصل را به‌طور ضمنی و در قالب اصول بیست و دوم و بیست و پنجم شناسایی نموده‌اند. مطابق اصل بیست و دوم: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند». این اصل راهبر به نقض ناپذیری حقوق بنیادی افراد در همه حالت‌ها اشاره دارد. در همین چارچوب، در اصل بیست و پنجم نیز مقرر شده است که: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون».

پیدا است که خبرگان قانون مذکور در پرتو این اصل به دنبال تبیین این نکته بوده‌اند که برای پیشگیری از جرم باید به موازین حقوق بشری همواره توجه کرد و در واقع به هر شکل نباید در این راستا گام برداشت. بنابراین، کرامت‌مدار بودن پیشگیری از جرم با این نوع سیاست‌گذاری نویسندگان قانون مذکور، جنبه اساسی یافته است و در نتیجه کلیه کارگزاران پیشگیری از جرم باید این اصل را رعایت نمایند.

نتیجه

پیشگیری از جرم در سال‌های واپسین در اولویت سیاست‌گذاری‌های جنایی قرار گرفته است. (Sagant, 2010, p. 20) این اولویت‌دهی از سوی خبرگان از رهگذر «اساسی‌سازی پیشگیری از جرم» به واسطه توجه به تدابیر و آیین پیشگیری از جرم در قالب اصول اساسی انجام پذیرفته است تا امنیت و دیگر حق‌های مسلم بشری تضمین شوند و بر این اساس، «نظام حقوق پیشگیری از جرم» در پرتو قانونگذاری‌های عادی و اتخاذ سیاست‌های مناسب در نهادهای

اجرائی و حتی جامعی به صورت جامع شکل گیرد. به هر رو، اساسی‌سازی از جمله شاخص‌ترین رهیافت‌های حقوقی است که از رهگذر آن، حق‌ها و آزادی‌های بنیادی شهروندان تضمین شده و بر این اساس، این ارزش‌ها و هنجارها به یک دستور و هنجار برین درمی‌آیند. اینجاست که قدرت‌ها باید به هنگام سیاست‌گذاری، این حق‌ها را همواره مورد توجه قرار دهند و در قالب هنجار اساسی به اتخاذ تدابیر مبادرت ورزند. بدیهی است شاخص‌ترین کارکرد اساسی‌سازی و وارد ساختن ارزش‌ها در عرصه قانون اساسی مصون‌سازی حق‌ها و آزادی‌های شهروندان است زیرا اصول اساسی، قاعدتاً تغییرناپذیرند و همواره همگان از جمله سیاست‌گذاران و صاحبان قدرت باید از آن پیروی کنند.

در قلمرو حقوق ایران، حق بر پیشگیری از جرم به شکل‌های مختلف مورد توجه خبرگان قانون اساسی قرار گرفته است. همین سیاست، این حق را که از مصادیق بارز حق‌های شهروندان است به یک دستور/ هنجار برین تبدیل کرده و از این رو قانونگذار و دیگر سیاست‌گذاران باید در این زمینه و البته با رویکرد و ماهیت مورد توجه در قانون اساسی در راستای اجرائی- عملیاتی‌سازی آن اقدام نمایند. بنابراین، اساسی‌سازی پیشگیری از جرم در ایران به این حق بنیادی جایگاه ویژه‌ای داده است تا از این رهگذر قدرت عمومی برای تأمین امنیت و کاهش میزان بزهکاری با در نظر داشتن همه جنبه‌های پیش‌بینی شده در قانون اساسی در زمینه پیشگیری از جرم، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کند.

با وجود این، نبود یک ساختار منسجم در حوزه پیشگیری از جرم، تدوین نشدن برنامه ملی در این زمینه، درست اجرائی شدن تدابیر ماهوی پیشگیرانه پیش‌بینی شده در قانون اساسی، جنبه عملیاتی پیدا نکردن گفتمان این قانون در خصوص پیشگیری از جرم و فراهم نبودن بایسته‌ها و ابزارهای پیشگیری از جرم از برجسته‌ترین چالش‌های فراروی این راهبرد به شمار می‌روند. البته به نظر می‌رسد برای برطرف ساختن این خلأها باید اقدام‌هایی را به کار گرفت:

یکم، توجه سیاست‌گذاران به ابعاد و پیامدهای تصمیم‌ها و سیاست‌های اتخاذ شده از منظر آموزه‌های پیشگیری از جرم؛ ملاحظات پیشگیری از بزهکاری باید در همه مرحله‌های سیاست‌گذاری اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. (همتی، ۷۷، ۱۳۹۰) بر این اساس، قانونگذار در زمان تصویب قانون یا کارگزاران اجرائی هنگام تدوین مقررات فرتقینی مانند آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها، شیوه‌نامه‌ها و حتی صدور دستور اداری فراگیر باید جنبه‌های مختلف آن از حیث پیشگیری از جرم را مورد توجه قرار دهند.

دوم، بسترسازی اجرایی کردن تدابیر ماهوی پیشگیری از جرم؛ سیاست گذاری و برنامه ریزی در خصوص هریک از حق ها می تواند تا اندازه زیادی در پروراندن درست شخصیت افراد، نقش آفرین باشد. بنابراین، قوه مجریه باید با برنامه ریزی سنجیده در این زمینه ها اقدام کند.

سوم، توجه ویژه به پیشگیری از جرم در نهادهای دانشگاهی؛ ایجاد یک رشته خاص مطالعاتی در سطح دوره های کارشناسی ارشد یا حتی دکتری با عنوان یا در زمینه پیشگیری از جرم،^۱ راه اندازی مراکز پژوهشی پیشگیری از جرم، تقویت تعامل با نهادهای بین المللی متولی پیشگیری از جرم، برگزاری همایش های پیشگیری از جرم به صورت سالانه و راه اندازی نشریه تخصصی پیشگیری از جرم در عرصه دانشگاه ها از جمله اقدام هایی است که نهادهای دانشگاهی باید در چارچوب اساسی سازی پیشگیری از جرم به کار گیرند.

در نهایت، دستگاه قضایی که اصلی ترین مخاطب مؤسسان قانون اساسی در زمینه پیشگیری از جرم است، باید با به شکل دانش بنیان به بهره گیری از ظرفیت های پیشگیرانه نهادهایی مانند سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، کانون اصلاح و تربیت کودکان بزهکار و انجمن حمایت از زندانیان مبادرت ورزد یا اینکه دست کم در راستای پیشگیری از جرم های درون سازمانی مانند ارتشا، اختلاس، شکنجه و اذیت و آزار متهم، مظنون و محکوم اقدام کند. (نجفی ابرندآبادی، ۵، ۱۳۸۶)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. گفتنی است که دانشگاه علوم انتظامی دوره های کارشناسی ارشد و دکتری پیشگیری از جرم را راه اندازی کرده است. دانشگاه علوم قضایی نیز با تأسیس «دانشکده پیشگیری از جرم و اصلاح و تربیت مجرمین» در راستای راه اندازی دوره های مختلف پیشگیری از جرم، اقدام هایی را به عمل آورده است. در ضمن، دوره کارشناسی ارشد پیشگیری از آسیب های اجتماعی در دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی فعال است و اینکه در پلیس پیشگیری نیروی انتظامی جمهوری اسلامی، مرکز مطالعات پیشگیری از جرم راه اندازی شده است. این مرکز نیز برای ترویج پیشگیری از جرم از سال ۱۳۸۵ به انتشار فصلنامه مطالعات پیشگیری از وقوع جرم مبادرت می ورزد.

منابع

- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۰). جرم‌شناسی پیشگیری، جلد ۱، چاپ نخست، تهران: میزان.
- بن، پیر. (۱۳۸۴). اساسی‌سازی حقوق اسپانیا (تأثیر قانون اساسی بر حقوق اسپانیا)، ترجمه: جواد تقی‌زاده، مجله حقوق اساسی، شماره ۵.
- تقی‌زاده، جواد. (۱۳۸۶). مسئله اساسی‌سازی نظم حقوقی، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۱.
- جمشیدی، علیرضا. (۱۳۹۰). چشم‌انداز سیاست جنایی ایران در زمینه پیشگیری مشارکتی از جرم، ضمیمه مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۶، (یادنامه شادروان دکتر رضا نوربها).
- جندلی، منون. (۱۳۹۳). درآمدی بر پیشگیری از جرم، ترجمه و تحقیق: شهرام ابراهیمی، چاپ نخست، تهران: میزان.
- دادستان، پریرخ. (۱۳۸۲). روان‌شناسی جنایی، چاپ نخست، تهران: سمت.
- صفاری، علی. (۱۳۹۰). مقدمات ضروری پیشگیری از جرم، در: مجموعه مقالات همایش علمی-کاربردی پیشگیری از جرم قوه قضاییه، جلد ۲، چاپ نخست، انتشارات دادگستری کل استان خراسان رضوی.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس. (۱۳۶۴). بررسی عناوین قانون اساسی ایران، چاپ نخست، انتشارات اداره کل فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- عظیم‌زاده، شادی. (۱۳۹۰). پایداری در بزهکاری در حقوق ایران و آمریکا، چاپ نخست، تهران: جنگل.
- غلامی، حسین. (۱۳۸۳). پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۱.
- کاری‌یو، روبر. (۱۳۸۱). مداخله روان‌شناختی، اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۵ و ۳۶.
- کوشا، جعفر. (۱۳۸۹). نقش قوه قضاییه در پیشگیری از جرم، در: مجموعه مقالات همایش علمی-کاربردی پیشگیری از جرم قوه قضاییه، جلد ۱، چاپ نخست، انتشارات دادگستری کل استان خراسان رضوی.
- گرجی، علی‌اکبر. (۱۳۹۳). اساسی‌سازی و جنبش حمایت از حق‌ها و آزادی‌ها، در: گرجی، علی‌اکبر، در تکاپوی حقوق عمومی، چاپ نخست، تهران: جنگل.

- لازرژ، کریستین. (۱۳۹۲). درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، تهران: میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۳). پیشگیری عادلانه از جرم، در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، چاپ نخست، تهران: سمت.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۷۹). تقریرات درس جرم‌شناسی نظری (دوره دکتری)، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، قابل دسترسی در تارنمای: (www.lawtest.ir).
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۶). پیشگیری از وقوع از جرم توسط قوه قضاییه، گفت و گو در: مجله تعالی حقوق، شماره ۱۱.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۱). درباره امنیت شناسی (از حق بر امنیت تا حق بر تأمین)، دیپاچه در: رضوانی، سودابه، مدیریت انسان مدار ریسک جرم، چاپ نخست، تهران: میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۳). درآمدی بر اساسی سازی حقوق کیفری، در: گرجی، علی اکبر، در تکاپوی حقوق عمومی، چاپ نخست، تهران: جنگل.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۱). درباره سن و علوم جنایی: دیپاچه در: رجبی پور، محمود. پژوهشی در مبانی پیشگیری اجتماعی رشد مدار از بزهکاری اطفال و نوجوانان. چاپ نخست، تهران: میزان.
- نوریها، رضا. (۱۳۸۶). زمینه جرم‌شناسی، تهران: گنج دانش، چاپ سوم.
- نیازپور، امیرحسن. (۱۳۸۷). بزهکاری به عادت: از علت شناسی تا پیشگیری، چاپ نخست، تهران: فکرسازان.
- نیازپور، امیرحسن. (۱۳۸۲). پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی ایران و لایحه پیشگیری از وقوع جرم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵.
- نیازپور، امیرحسن. (۱۳۹۱). تکالیف جرم‌شناسانه دستگاه قضایی در پرتو قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۰.
- نیازپور، امیرحسن. (۱۳۸۳). حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸ و ۴۹.
- نیازپور، امیرحسن. (۱۳۹۱). گفتمان پیمان حقوق کودک در زمینه پیشگیری از بزهکاری، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۶.

- ویلیامز، فرانک. پی؛ مک شین؛ ماری لین، دی. (۱۳۸۳). نظریه های جرم شناسی، ترجمه: حمید رضا ملک محمدی، چاپ نخست، تهران: میزان.
- همتی، فریده (گردآوری و ترجمه). (۱۳۹۰). سیاست اجتماعی (نظریه های کلاسیک، مدرن، پست مدرن و مطالعات مقایسه ای). چاپ نخست، تهران: جامعه شناسان.
- هوارد، جان. (۱۳۸۳). پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی. ترجمه: حسین غلامی، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۱.
- Geason, Susan and Wilson, Paul. R, crime prevention (theory and practice), Australian institute criminology publication, 1998.
- Redo, stawomir marek, blue criminology, Heunt publication, 2012.
- Sagant, Valerie and Shaw, Margaret, international report on crime prevention and community safety: trends and perspectives, ICPC publication, 2010.
- Siegel, Larry. J, criminology, Thomson and Wadworth publication, 2009.
- Un, handbook on the crime prevention guidelines (making them work), un publication, 2010.
- Virginia crime prevention association, crime prevention standards, Virginia crime prevention association publication, 1997.